

# نقاشان شیراز شهر جاویدان

دکتر عیسی بهنام

استاد دانشکده ادبیات

درواقع شهر شیراز، در کنار موطن اصلی شاهنشاهی هخامنشی، غالباً وارث فرهنگ و تمدن ایران قدیم بوده. هنوز مهمترین آثار دوران‌های پرافتخار پدران ما در ناحیه فارس و اطراف شهر شیراز قرار دارد. شیراز، در دورانی که مغول خاک ایران را بمتزلّه میدان اسب سواری برای تاخت و تاز خود بشمار آورده بودند، به دلایلی از میدان‌های مبارزه دور مانده بود. در ناحیه فارس و اطراف شهر شیراز کوه‌های سختی وجود دارد که مناسب حملات دسته جمعی اسب‌سواران مغول نبود، و نه چنگیز و نه تیمور به عبور از گردنه‌ها و انتظار برای سرکوب کردن قبایل پارتیزانی علاقه زیاد نشان نداده‌اند. جلگه‌های وسیع خوارزم و ورامین و ری و نیشابور و مرو و سمرقند برای آزمایش سواره نظام مغول، مناسب‌تر بود. بسیاری از کتب مصوریکه امروز در موزه‌های مختلف خارجی یاد کتابخانه سلطنتی موجود است، یادشهر شیراز نوشته شده و امضاء و تاریخ دارد، و یا به سبک نقاشان شیرازی ساخته شده است. نویسنده این مقاله سعی خواهد کرد این موضوع را با خوانندگان این مجله در میان بگذارد و این مطلب را روشن نماید. ابتدا پیشنهاد مینماید کلمه مینیاتور را از روی صفحات مصور کتب ایرانی برداریم، تا با مینیاتورهای بیزانس و دیگر کشورها اشتباه نشود. ممکن است برای مفهوم صفحات مصور کلمه ساده‌تری پیدا کرد، ولی تصور می‌رود کلمه صفحات مصور بیش از اصطلاحات دیگر با آنچه که خارجی مینیاتور مینامند تطبیق کند، و باین طریق نقاشی ایرانی شامل نقاشی‌های دیواری در دوران اشکانی و ساسانی و صفحات مصور در دوران اسلامی می‌گردد.

از زمانی که برای اولین بار اروپائیان نقاشی ایرانی را طرف توجه قرار دادند و آنرا مینیاتور نامیدند تا امروز که چندین صد کتاب و مقاله بزبانهای خارجی راجع به مینیاتور ایران نوشته شده، روش‌های مختلف، و گاهی متضاد، راجع به هنر نقاشی ایران اتخاذ گردیده است. نخست چند نفر از دانشمندان فرانسوی مانند «بلوشه» و «هانری میژون» تصور کردند ریشه این هنر از هنر بیزانس روئیده شده است. بعضی دیگر از دانشمندان ورود مغول بایران را باعث بوجود آمدن هنر نقاشی ایران دانستند. ضمناً همه آنها معتقدند که در عهد ساسانیان کتب مصوری در ایران وجود داشته و از جمله کتب مانی را نام می‌برند که حتی تا قرن سوم هجری نمونه‌هایی از آن در ناحیه ترکستان چین موجود بوده و بعضی از آنها را دانشمندان آلمانی در ویرانه‌های تورفان از زیر خاک بیرون آورده‌اند.

در آخرین کتابی که آقای «بازیل گری» در سال ۱۹۶۸ چاپ کرده، و قطعاً بهترین کتابی است که راجع به هنر نقاشی ایران نوشته شده، شهر شیراز در ایجاد هنر نقاشی ایران در دوران اسلامی در درجه اول اهمیت قرار داده شد و ما را از این ناراحتی که صفحات مصور زیبای پدرانمان از بیزانس یا از صحاری آسیای مرکزی آمده باشند خلاص کرده است. اگر واقعاً مغول یا بیزانس‌ها پدران ما هنر نقاشی را یاد داده بودند برای ما هیچ نوع سرشکستگی وجود نداشت، چون در عالم هنر تقلید و اقتباس ننگی نیست، ولی ناراحتی ما از این نظر بود که بیش یا کم احساس می‌کردیم که هنر ما باید اصالتاً ایرانی باشد.



شکل ۱

بابوته‌های جلو يك اندازه اند . بعلاوه جزئیات برگهای درخت نقش شده ، در صورتیکه عملاً وقتی میخواهیم درختی را در صفحه نقاشی بیاوریم جزئیات آن بچشم نمیخورد . در این صفحه تنها يك اثر از نقاشی چینی موجود است و آن تنه درخت میباشد که بسبب چینی نقاشی شده . شکی نیست که در دربار پادشاهان ایلیخانی هنرمندانی از چین رفت و آمد میکردند ، یا الاقل صفحاتی از کتب مصور چینی در مراغه موجود بوده ، و یاشاید نقش درخت را هنرمند ایرانی از روی نقوش روی ظروف چینی یا پارچه‌های ابریشمی چینی ، که بدون شك در مراغه در آن زمان موجود بود ، کسب کرده است .

متأسفانه نام نقاش در زیر صفحه نوشته نشده ولی برای نویسنده این مقاله یقین حاصل است که هنرمندانی که در آن زمان در شیراز هنر خود را فرا گرفته بودند برای کسب معاش بدربار ایلیخانیان بمراغه و تبریز آمده‌اند و برای پادشاهان

قدیمیترین نسخ خطی که شامل صفحات مصور باشند کتاب منافع الحيوان تألیف ابن بختیشو است که در سال ۶۹۸ در مراغه نوشته شده و امروز در کتابخانه «مرگان» در شهر «نیویورک» حفظ میشود . ما در اینجا عکس يك صفحه از این کتاب را برای نمونه میدهم (شکل ۱) . خوانندگان بخوبی تشخیص میدهند که این صفحه کتاب فاقد بسیاری از خصوصیات تصویر کتب بسبب ایرانی است . مثلاً در این صفحه مقدار سطحی که با آسمان داده شده بسیار زیادتر از سهم زمین و تپه و غیره است . بعلاوه سعی شده است که بیش یا کم از طبیعت تقلید شود ، و نقاش برای تهیه این تصویر جنبه تزئینی را در نظر نگرفته و واقعاً خواسته است اسب را آنطوریکه هست نشان دهد . با این حال بعضی از خصوصیات معمول در صفحات مصور در این نقش دیده میشود . مثلاً اصول پرسپکتیو در این نقش رعایت نشده ، و بوته‌هایی که در عقب صفحه قرار گرفته‌اند



شکل ۲

آورده و شلووار آبی بهرام در میان صفحه بر قوت این تناسب افزوده است و این همان کاری است که مثلاً «رامبراندت» در تابلوی «گشت شبانه» انجام داده است.

اژدها که حیوان وحشتناکی است بصورت بازپچه‌ای درآمده تا بهانه‌ای برای ترکیب رنگها باشد. خطوط منحنی و پیچ‌درپیچ اژدها مارا بیاد خطوط موزون و با تناسب دخترهای رضای عباسی، نقاش معروف عهد شاه عباس می‌اندازد.

چه اثری از چین و از مغول در این نقش است. البته اژدها چینی است، و در روی بسیاری از ظروف چینی در آن زمان نقش شده، و نقاش شیرازی آنرا دیده، و مورد پسند او قرار گرفته است. قیافه بهرام هم کمی مغولی است، ولی نویسنده در این گفته خود تردید دارد، زیرا درست است که صورت مانند قرص ماه شب چهارده است، ولی آیا با سلیقه آن زمان در شیراز قیافه نظیر قرص ماه شب چهارده نبوده است. آیا حافظ سعدی در ادبیات خود این قیافه را کمال زیبایی ندانسته‌اند. بهر حال ابروان کماتی بهرام همان است که حافظ آنرا معرفی کرده و اکنون نیز در شهر شیراز کمیاب نیست. آیا دهان غنچه‌ای که نقاش برای بهرام کشیده مورد

ایلیخان کار نمیکردند و این مطلب در ضمن مقالات آینده یعنی هنگامیکه هنر نقاشی شیراز را در همین دوران مطالعه خواهیم نمود، روشن‌تر خواهد شد.

در ابتدای این مقاله گفته شد که کتاب منافع‌الحيوان در تاریخ ۶۹۸ در مراغه نوشته شده. اینک در شکل (۲) صفحه‌ای از شاهنامه کاخ توپ قاپوی اسلامبول را که در تاریخ ۷۷۲ در شهر شیراز نوشته شده ارائه میدهد. اختلاف میان این دو کتاب از حیث تاریخ فقط یک قرن است، ولی مهارتی که در نقش صفحه شاهنامه شیراز بکار رفته نشان میدهد که این هنر لااقل چندین قرن در آن شهر سابقه داشته و در این صورت ادعای نویسنده که هنرمندی که صفحات منافع‌الحيوان را مصور کرده از شیراز به مراغه برای خدمت پادشاهان ایلیخان رفته باشد بعید بنظر نخواهد رسید.

در این نقش بهرام گور اژدهایی را از پای درآورده و برعکس صفحه منافع‌الحيوان، آسمان در این نقش سطح بسیار کوچکی را اشغال کرده و ترکیب رنگها بسیار هنرمندانه‌تر از صفحه منافع‌الحيوان انجام گرفته است. رنگ آبی آسمان در بالا با رنگ آبی اژدها در پایین تعادل بسیار با تناسبی بوجود

زمان نشان داده شده قابل مقایسه است، و حرکت دست بهرام در این نقش کاملاً نظیر همان حرکت در روی نقوش برجسته نقش رستم و شهر بیشاپور، نزدیک کازرون، میباشد. درحقیقت بامقایسه این صفحه مصور با ظروف فلزی عهد ساسانی و نقوش برجسته آن زمان در روی سنگ یا نقوش زری‌های آن دوره، این مطلب روشن میشود که هنر نقاشی شیراز دنباله هنر دوران‌های قدیم ایران است.

مایه تأسف است که بعلمت اشکالات مربوط بچاپ نمیتوان صفحات نقاشی ایران را آنطوریکه هست در این مقاله معرفی کرد. باین حال برای لذت چشم خوانندگان صفحه‌ای از کتاب خاجوی کرمانی را که امروز درموزه بریتانیا است ارائه میدهد (شکل ۳)، و از خوانندگان تمنی میشود بادقت بجزئیات آن توجه فرمایند. همایون سوار براسب است و مقابل دروازه خانه زیبای همای ایستاده، و باحسرت بآخرین طبقه منزلی که همای روی ایوان آن ایستاده نگاه میکند. همای باقیافه‌ای چون قرص ماه و ابروانی کمانی و دهنی مانند غنچه گل، سرخود را خم کرده، همایون را بانگاه حسرت آمیزی نظاره میکند. در بالای صفحه روی درخت سرو بیت زیر نوشته شده:

چومه را ملك برب بام دید

مسلسل به گرد مهش شام دید

در اطراف خانه همه چیز نشاط جوانی را نشان میدهد. زمینه تپه و گلزار صورتی کم‌رنگ است و از گل‌های رنگارنگ پوشیده شده. درخت سرو شیراز نشانه‌ای از این است که این صفحه نقاشی بدست يك شیرازی انجام گرفته، و بجای امضای اوست. باین حال کتاب دیوان خواجه جوی کرمانی در تاریخ ۷۹۹ در شهر بغداد نوشته شده. نام نقاش جنید است و «جنید» اهل شیراز است (درختان سرو شیرازی و سبک کار او شاهد این مدعا است) که برای خدمت بامرای بغداد به آن شهر رفته است. نویسنده کتاب میرسید علی تبریزی است که خط نستعلیق را بوجود آورده بنابراین نقاش شیرازی و خوشنویس تبریزی دست بدست هم داده‌اند تا در شهر بغداد شاهکاری بوجود آورند. پاره‌ای از دانشمندان به ملاحظه اینکه این کتاب در بغداد نوشته شده مکتبی بنام مکتب بغداد اختراع کردند و در نتیجه در اشتباهاتی افتادند. جنید شاگرد شمس‌الدین شیرازی بود که برای کسب معاش مدتی در بغداد در خدمت امرای آن ناحیه درآمد. وی نخستین نقاش ایرانی است که در زیر صفحه‌ای از شاهکارهایش امضاء کرد.

امروز خوانندگان را مقابل دروازه شیراز رساندیم. در مقاله آتیه وارد جزئیات بیشتری راجع به هنر این شهر جاویدان میشویم.



شکل ۳

توجه مردم شیراز نیست.

باتوجه باین نکات، این مطالب کاملاً روشن میشود که این صفحه مصور اصالتاً شیرازی است، و در شهر شیراز است که هنر نقاشی ایران بحد کمال رسیده، و برای این کار احتیاجی به تقلید از بیزانس یا چین نبوده است.

اسب بهرام گور با اسبهایی که شاهپور و بهرام در عهد ساسانیان سوار میشوند و بارها روی ظروف نقره و طلائی آن